

حال و روز مردم ایران در 4 قاب (1)

سعید پیوندی

"ایران وایر" به تازگی گزارش داخلی "علی ربیعی" دستیار اجتماعی آقای پزشکپران را منتشر کرده که در آن تا حدودی تصویری از شرایط زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی و نوع نگرش آن‌ها به نظام حکمرانی و آینده کشور را ارائه می‌دهد. گزارش آقای ربیعی بر داده‌های آماری یک نظرخواهی تکیه می‌کند که در اردیبهشت 1405 انجام شده است. با این‌که در گزارش به سویه روش‌شناسانه (نمونه آماری، ترکیب جنسی، شغلی، نسلی، اتنیک و ...) و یا چگونگی انجام این نظرخواهی در گزارش اشاره نمی‌شود اما همسانی‌ها با دیگر پیمایش‌ها نشان از اعتبار نسبی آن در شرایط جامعه‌ای مانند ایران دارد. اصلی‌ترین داده‌های خام گزارش آقای ربیعی را می‌توان در چهار قاب جداگانه که در رابطه تنگاتنگ با یکدیگر هستند مورد بررسی قرار داد:

قاب اول: وضعیت روحی و روانشناسی جمعی امروزی ایران پس از حوادث دی ماه 1404 و نیز حمله آمریکا و اسرائیل در اسفند 1404؛

قاب دوم: وضعیت معیشت و گذران زندگی در دوران سقوط قدرت خرید؛

قاب سوم: رابطه با نظام سیاسی، باور به کارایی حکومت، هویت جمعی، میزان اعتماد جمعی و چند و چون نگاه به آینده؛

قاب چهارم: جنگ، تنش با آمریکا و نگاه به پرونده‌های اصلی مطرح در بحران ژئوپولیتیکی کنونی.

از قاب اول شروع کنیم و حال و روز روانی مردم در شرایط بحران اقتصادی، تنش‌های ژئوپولیتیکی و نیز بن‌بست سیاسی داخلی.

وضعیت روانی مردم را با 6 داده می‌توان توصیف کرد.

احساس خشم و عصبانیت: 64 درصد جامعه آماری

احساس ناامیدی: 50 درصد

افسردگی: 48 درصد

احساس ترس و اضطراب: 45 درصد

احساس غمگینی: 48 درصد

میزان رضایت از زندگی: نمره 5.5 از ده

اگر امکان دسترسی به داده‌های خام فراهم بود می‌شد با بررسی آماری تقاطعی نشان داد چه میزان از جامعه همزمان با یک و یا چند احساس منفی زندگی می‌کنند.

بر اساس گزارش این میانگین ملی بازتاب همه ابعاد وضعیت کنونی نیست. سه متغیر اصلی سبب نوسانات مهمی در نتایج می‌شوند: تعلق نسلی (سن افراد)، سطح تحصیلات و محل سکونت. به‌طور خلاصه نسل جوان، کسانی که دارای تحصیلات

دانشگاهی هستند و یا ساکنان شهرهای بزرگ از جمله تهران بیشتر در معرض این آسیب‌ها و مشکلات هستند.

نکته مهم دیگر در گزارش مقایسه نتایج این نظرخواهی با آمار آذرماه 1404، یعنی دوران پیش از جنبش بزرگ اعتراضی دی‌ماه

و سرکوب شدید آن توسط حکومت است. پنج شاخص اول در این فاصله شش ماهه جهشی چشمگیر داشتند. برای مثال حدود 12

درصد بر میزان خشم مردم افزوده شده است. این افزایش برای ناامیدی 8 درصد و برای افسردگی 11 درصد است.

خشم، عصبانیت، افسردگی و یا ناامیدی جمعی را در پیمایش‌های دیگر و یا کارهای میدانی علوم انسانی هم می‌توان مشاهده کرد.

برای مثال محسن گودرزی بیشتر از مفهوم شهروند عاصی برای توصیف سطح نارضایتی عمومی در ایران استفاده کرده بود.

در مورد رضایت از زندگی هم جزئیات بیشتر آماری می‌توان روشن‌تر باشد. برای مثال با وجود نمره 5.5 از 10 در میانگین

نظرخواهی، حدود 9 درصد افراد نمره صفر را به رضایت از زندگی داده‌اند و یک سوم هم نمره‌ای کمتر از 5.

این داده‌ها همزمان درک یکی دیگر از نتایج مهم نظرخواهی را آسان‌تر می‌کنند: 33 درصد افراد می‌گویند میل به مهاجرت دارند.

این شاخص برای افراد کمتر از 29 سال به 45 درصد و کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند به 50 درصد میرسد.

قاب اول جامعه‌ای که در آن خشم، اضطراب، ترس، افسردگی و یا ناامیدی گروه‌های بزرگی را در بر می‌گیرد تصویری عبوس و

بسیار پرسش‌برانگیز از روانشناسی جمعی را به نمایش می‌گذارد. با آن‌که با نگاهی آکادمیک می‌توان این نقد را مطرح کرد که

تعاریف برای هر یک مفاهیم مانند خشم، افسردگی ... می‌توانند برای همه افراد یکسان نباشند و هر کسی با درک خود به این گونه

پرسش‌ها پاسخ دهد، اما به نظر می‌رسد این تصویر کلی با توجه به درصد بالای پاسخ‌ها به اندازه کافی از درون جامعه و نوع

رابطه آسیب‌شناسانه با تجربه زیسته و روزمرگی جامعه در بحران خبر دهد.

پرسش‌های اساسی پرشماری را می‌توان در رابطه با نتایج این نظرخواهی به میان کشید. آیا این داده‌ها تصویر یک جامعه در

بحران روحی جمعی و یا به قول هگل با وجدان شوربخت را ترسیم می‌کنند؟ کسانی که از تاب‌آوری جامعه و بسیج مردم در

دوران جنگ و دگرگون شدن روحیه آن‌ها سخن به میان می‌آوردند اکنون در برابر این تصویر عبوس و نگران‌کننده چه می‌توانند

بگویند؟ داده‌های قاب‌های بعدی سویه‌های دیگر وضعیت و حال و روز جامعه را نشان می‌دهند...

کانال شخصی سعید پیوندی <https://t.me/paivandisaeeed>

لینک مصاحبه با آیدا قجر از ایران‌وایر